

ترجمه آثار فارسی به بوسنیایی از زبان های دیگر

منیر درکیچ^۱

ادبیات فارسی برای مردم بوسنی ناشناخته نیست. بوشناکان و ایرانیان وارثان یک فرهنگ و یک تمدن هستند. وجود طریقات صوفیانه در بوسنی و هرزگوین - وقتی زیر حکومت عثمانی بود - سبب شد که بعضی از مهم ترین آثار ادبیات فارسی در آنجا شهرت یابند. علاوه بر این، بوشناکان بر ادبیات فارسی تأثیر گذاشته اند. ایرانیان و کسان دیگری که به ادبیات فارسی علاقه دارند، احمد سودی را شارح دیوان حافظ و گلستان سعدی، می شناسند. شرح های او که به زبان ترکی نوشته شده، به فارسی ترجمه شده است و در اروپا هم مشهور است، به خصوص در فرانسه.

از زمان قدیم حکایاتی از مثنوی معنوی مولانا، منطق الطیر عطار، گلستان سعدی، بهارستان جامی و... میان مردم بوسنی روایت شده بودند. اگر چه بیشتر مردم با زبان فارسی آشنا نبودند، اما این بزرگان ادبیات جهان برای آنها ناشناس نبودند. بعضی از آثار فارسی به قلم بوسنیایی ها نوشته شده اند. می دانیم که گلستان سعدی، چند

قرن بعد از تألیف آن، بر نثر فارسی تأثیر زیادی گذاشته است؛ آثار بسیاری در قالب آن نگاشته شده است؛ یکی از این آثار را مردی از اهالی بوسنی تألیف کرده است: نام این کتاب بلبستان، و مؤلف آن فوزی موستاری است. بلبستان تحت تأثیر چشمگیر گلستان سعدی و بهارستان جامی به رشته تحریر در آمده است.^۱ علاوه بر فوزی موستاری، بوشناکان دیگر آثارشان را به فارسی نوشته‌اند.

در سال‌های اخیر در بوسنی و هرزگوین علاقه شدیدی به آثار کلاسیک ادبیات فارسی به واسطه ترجمه‌ها به زبان بوسنیایی موجود است. این عجیب نیست، چون ادبیات فارسی علاقه‌مندان زیادی را در تمام جهان دارد و آثار آن بسیار ترجمه می‌شود. باید اعتراف کرد که رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تلاش زیادی می‌کنند تا برای زبان و ادبیات فارسی راهی به سوی دل‌های غیرایرانیان گشاده شود و زبان و ادبیات فارسی رفته‌رفته جایی که شایسته آن است می‌گیرد. رایزنی فرهنگی در سارایوو از این قاعده مستثنا نیست، چون ترجمه آثار کلاسیک فارسی به زبان بوسنیایی را بسیار تشویق می‌کند. اما، ما می‌خواهیم به بعضی از پدیده‌های منفی مربوط به ترجمه‌های ذکر شده اشاره کنیم.

اول این‌که این کتاب‌ها از فارسی به بوسنیایی ترجمه نمی‌شوند، بلکه از زبان‌های دیگر، مانند انگلیسی و آلمانی است. به این ترتیب ارزش این شاهکارها بسیار کم می‌شود. مخصوصاً این خصوصیت شعر است. در بسیاری از مثال‌ها وقتی اصل فارسی را با ترجمه بوسنیایی مقایسه می‌کنیم، نمی‌توانیم کشف کنیم چه بیتی در ترجمه بوسنیایی بنا بر متن فارسی است. در متن زیر در مثال کتاب *منطق الطیر* خواهیم دید که بعضی ابیات حذف شده است و بعضی دیگر جاهایشان عوض شده است. این نباید عجیب باشد، زیرا ترجمه از زبانی که کتاب به آن تألیف نشده است، نمی‌تواند ارزشی داشته باشد مثل کتاب ترجمه شده از زبان اصلی. در چند سال اخیر *منطق الطیر* عطار، *لیلی* و *مجنون نظامی*، *کشف المحجوب* هجویری، دفتر سوم *مثنوی معنوی* مولانا جلال‌الدین، جزئی از *دیوان حافظ* و چند گزینه شعر عرفانی به زبان بوسنیایی از زبان‌های دیگر ترجمه شده است. می‌دانیم که *لیلی* و *مجنون منظومه* است، اما ترجمه بوسنیایی آن منثور است. البته ارزش این آثار این طور کم می‌شود و خوانندگان نمی‌توانند همه بهره‌های آن را ببرند و نمی‌توانند به طور کامل لذت ببرند. گاهی به هیچ وجه نمی‌توان معانی متن اصلی را در متن بوسنیایی دریافت.

۱. رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سارایوو این کتاب را با ترجمه بوسنیایی آن در سال ۲۰۰۳ منتشر کرد.

دوم آن که، بعضی از آثار تنها گزیده‌هایشان ترجمه می‌شود و متن کامل این آثار هنوز ترجمه نشده است. این هم مربوط است به ترجمه‌ها از زبان فارسی و هم ترجمه‌هایی که درباره آن صحبت کردیم. به عنوان نمونه ترجمه تذکرة الاولیای شیخ عطار را در نظر بگیریم. این کتاب از زبان فارسی ترجمه شده است و به این سبب بهتر از ترجمه‌های ذکر شده است، اما مترجم متن کامل این کتاب را ترجمه نکرده است، بلکه گزیده آن را. در ترجمه بوسنیایی مطالبی درباره صوفیان و عارفانی که در بوسنی مشهور نیستند، حذف شده است. شاید مترجم فکر کرده که همه آنها اهمیت یکسان ندارند و آنهایی را که به نظر او چندان مهم نیستند، حذف کرده باشد. اما مگر درست نیست که همه علاقه‌مندان تصوف حلاج و بایزید بسطامی و ابراهیم ادهم را می‌شناسند و برای همین، اگر بخواهیم گزیده‌ای از کتاب ترجمه کنیم، بهتر است این بزرگان را حذف کنیم، چون درباره آنها می‌توانیم در جاهای دیگر هم اطلاعاتی بیابیم؛ عارفان و صوفیانی که مثل آنها مشهور نیستند شایسته ذکر ما هستند.

خود ترجمه عنوان این کتاب مناسب نیست. کلمه تذکرة را مترجم spomenica ترجمه کرده است. شاید بهتر باشد این کلمه را životopis یا način života ترجمه کرد. این دو کلمه نزدیک‌تر است به تذکرة تا کلمه‌ای که مترجم از آن استفاده کرده است.

حالا به منطق الطیر شیخ عطار^۱ و ترجمه آن به زبان بوسنیایی^۲ بپردازیم. با باز کردن ترجمه کتاب بوسنیایی ناقصه اول به چشم می‌خورد. هیچ جا نوشته نمی‌شود این کتاب از کدام زبان ترجمه شده است. از زبان فارسی حتماً ترجمه نشده است، چون مترجم این زبان را نمی‌شناسد. تمام کوشش‌های ما تا آن را در پیشگفتار ناشر و مقدمه — که مؤلف آن خود مترجم است — بیابیم، بی‌نتیجه ماند.

این کتاب هم به طور کامل ترجمه نشده است، ولی خوانندگان اطلاعاتی را راجع به این ندارند و با اطمینان می‌توان ثابت کرد که فکر می‌کنند این ترجمه متن کامل کتاب است. اما این طور نیست. فکر می‌کنیم که چنین روشی درست نباشد.

اگر چه بعد از طرح مسائل فوق‌نیازی نداریم در مورد کیفیت خود ترجمه حرف بزنیم،

۱. در این مقاله برای مقایسه اصل فارسی کتاب و ترجمه آن به بوسنیایی از این اثر استفاده کرده‌ایم: منطق الطیر، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۸۳.

2. Feriduddin Muhammed Attar, *Govor ptica*, preveo Ahmed Ananda, Kulturni centar IR Iran, Sarajevo, 2003.

اما به چند مورد اشاره می‌کنیم. اگر اصل فارسی کتاب و ترجمه آن (از زبانی دیگر، چه زبانی، معلوم نیست) مقایسه کنیم، خواهیم دید که ابیات بسیاری در متن بوسنیایی موجود نیست. بسم‌الله در آغاز کتاب و بیت اول در متن بوسنیایی وجود ندارد و به جای آن تنها Hvaljen neka je Gospodar svih svjetova (الحمد لله رب العالمین) نوشته می‌شود.

بیت سوم

آسمان را در زبردستی بداشت خاک را در غایت پستی بداشت

این‌طور ترجمه شده است:

Zemlju načini ovisnom, nebesima podari vladavinu.

قبل از همه، ترجمه نامناسب است. جای مصراع اول و مصراع دوم عوض شده است. اینجا مترجم دو مصراع (یک بیت) را در یک خط می‌نویسد که غلط نیست، اما در بیت‌های زیر یک بیت در دو خط نوشته می‌شود، مثلاً

کرد در شش روز هفت انجم پدید وز دو حرف آورد نه طارم پدید

U šest dana sedam planeta stvori,

Sa dva slova devet kupola nebeskih sačini.

می‌توان دید — بی آن‌که زبان فارسی یا بوسنیایی را بشناسیم — که مترجم دو مصراع را در دو خط نوشته است. شاید در زبانی که از آن به بوسنیایی ترجمه شده است، مانند متن بوسنیایی باشد، ولی تکرار می‌کنیم که راجع به آن زبان اطلاعاتی نداریم.

پدیده‌های مثل این خیلی متعدد است و نیازی نیست آنها را بشماریم، حتی ذکر کنیم. به هر حال، باید گفت که حکایات بسیاری و اجزای حکایات دیگر حذف شده است و هیچ‌کس به این مسئله اشاره نکرده است. این هم وجود دارد که چند حکایت از متن فارسی، یک حکایت در متن بوسنیایی است. در مقدمه کتاب حکایات در نعت رسول خدا، ابوبکر، عمر، عثمان و علی حذف شده است و این حکایات در اصل فارسی موجود است. علاوه بر آن، گاهی جزئی از حکایت گم می‌شود، گاهی پدید می‌آید. نگاه کنیم به

جانم آلوده‌ست از بیهودگی من ندارم طاقت آلودگی
یا از این بیهودگی پاکم بکن یا نه در خونم کش و خاکم بکن

خلق ترسد از تو من ز خود کز تو نیکو دیده‌ام از خویش بد
مرده‌ای‌ام می‌روم بر روی خاک زنده‌گردان جانم ای جان‌بخش پاک

در ترجمه فقط یک مصراع هست:

O, Uzvišeni Stvoritelju, dušu moju oživi.

بخش «فی وصف حاله» ترجمه شده است: گفتار اختتامی عطار. از این بخش هم تنها جزئیاتی ترجمه شده است. جالب است که این بخش به زبان بوسنیایی مثنوی است.

بدون هیچ گمان می‌توان اثبات کرد که عدم اطلاع درباره این که این کتاب از چه زبانی برگردانده شده است، بزرگ‌ترین علت تمام مشکلات است. اگر این اطلاع را داشتیم، تلاش می‌کردیم غلط‌های بسیاری را دریابیم. شاید می‌توانستیم متن زبان دیگر را منشأ اشتباهاتی قلمداد کنیم. این را می‌توانیم در مورد ترجمه لیلی و مجنون بگوییم که ترجمه آن مثنوی است و اصلش منظوم. در مقدمه این کتاب نوشته می‌شود که آن مثنوی است و اصلش منظوم. متن آلمانی هم، که به بوسنیایی ترجمه شده است، مثنوی است.

از پدیده‌های مانند این باید جلوگیری کرد، چون شیخ عطار به عنوان شاعر بزرگ وابسته به یک ملت نیست. او تنها متعلق به ایرانیان نیست، بلکه متعلق به تمدن اسلامی و حتی تمدن جهانی است. عطار هم متعلق به بوسنیاییان هست. به همین دلیل آنها شایسته ترجمه صحیح آثارش هستند، مخصوصاً مهم‌ترین اثر او.

البته آثاری موجودند که ترجمه آنها به زبان بوسنیایی قابل ستایش است. خود پرداختن به ترجمه را باید تشویق کرد، چون هدف آن آشنایی میان ملت‌هاست و برای این که ترجمه مرزهای سیاسی بین دو ملت را از میان می‌برد. چند اثر را معرفی می‌کنیم که مستقیماً از فارسی به بوسنیایی برگردانده شده‌اند و ترجمه آنها خیلی خوب است: گلستان سعدی؛ مثنوی معنوی مولانا (دفترهای اول و دوم)، پندنامه عطار؛ ترجمه دیوان حافظ که باید به زودی چاپ شود. در سال ۲۰۰۳ م ترجمه گلشن راز شبستری جایزه برای بهترین ترجمه این سال در بوسنی و هرزگوین را به دست آورد و به این طریق نشان داد که آثاری که در بوسنی چندانی شهرت ندارند می‌توانند مورد توجه باشند.

ترجمه‌های آینده حتماً مرزهای سیاسی بین ملت‌ها را برکنار خواهند کرد و آدم‌ها

را بیش از پیش به همدیگر نزدیک خواهند کرد و به ریشه مشترک آنها، که همه ما از آن می‌آییم، خواهند برد. همین امر قصد بزرگان ادبیات فارسی کلاسیک بوده است.



شهره‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی